

زوج‌های زندانی - (<https://www.radiozameh.com/53533>)

([email#](#)) ([print#](#)) ([flipboard#](#)) ([balatarin#](#)) ([twitter#](#)) ([facebook#](#))



[eh.com%2F53533&title=%D8%B2%D9%88%D8%AC%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C%20%D8%B2%D9%86%D8%AF%D8%A7%D9%86%DB%8C](https://www.radiozameh.com/53533)

کیان ثابتی - طی سه دهه اخیر، نظام حاکم بر ایران نشان داده است که حفظ و بقای خود را در گرو حذف و خاموش کردن هر نوع صدای مخالف می‌داند و برای مقابله با هرکدام از این صداها (مذهبی، سیاسی، اجتماعی و جنسی) از روش خاصی استفاده کرده است.

گروهی را محکوم به حبس و تعزیر کرده و به گروه دیگر انواع تهمت و افترا بسته است. افرادی را مجبور به ترک وطن کرده است و گروه دیگر را ممنوع‌الخروج. یکی دیگر از روش‌هایی که حکومت طی این سال‌ها به کار برده بازداشت‌های خانوادگی بوده است. از دهه ۶۰ تا به امروز شاهد این رفتار و روش در برخورد با هواداران و اعضای سازمان مجاهدین و احزاب چپ بوده‌ایم.

طی چندماه اخیر روش جمهوری اسلامی در برخورد با شهروندان بهایی وارد فاز جدیدی شده است. پیش از این شهروندان بهایی به طور فردی احضار یا بازداشت می‌شدند، ولی از اولین ماه‌های سال ۱۳۹۱ احضار و بازداشت‌های دسته‌جمعی شهروندان بهایی در ایران رو به افزایش نهاده است. از آخرین موارد گزارش شده می‌توان به تفتیش همزمان منازل ۱۳ شهروند بهایی در شهرستان قروه و همچنین احضار هفت شهروند بهایی ساکن قزوین به اداره اطلاعات شهر مزبور اشاره کرد که در واقع دنباله احضارها و بازداشت‌های دسته‌جمعی است که طی ماه‌های گذشته در استان گلستان، مازندران، تهران، سنندج و مشهد صورت گرفته است.

احتمالاً یکی از دلایلی که نظام حاکم بر ایران دست به چنین اقداماتی (احضار و بازداشت‌های دسته‌جمعی) می‌زند ایجاد فضای ترس، نگرانی و اضطراب دائم در بین شهروندان بهایی ایران است. ماموران اداره اطلاعات وقتی وارد منزل یک شهروند بهایی می‌شوند بی‌توجه به حضور کودکان خردسال در مقابل دیدگان حیرت‌زده آنها پس از به هم ریختن منزل، پدر و مادر وی را بازداشت می‌کنند.

البته گاهی این بازداشت‌ها به صورت تدریجی صورت می‌گیرد. ابتدا پدر خانواده را بازداشت می‌کنند، سپس مادر و کمی بعد فرزند بزرگ آنان را. در ماه‌های پیشین، هوشمند سنایی در بجنورد دستگیر می‌شود. کمی بعد همسر وی - شعله شهیدی - احضار و بازداشت می‌شود. در پایان هم فرزند جوان این خانواده، شایان سنایی احضار و بازداشت می‌شود.

نمونه‌ای دیگر بازداشت عادل نعیمی و همسرش است که پس از مدتی فرزند ایشان نیز احضار و بازداشت می‌شود. اینها فقط چند نمونه از برخوردهای نیروهای امنیتی با خانواده‌های بهایی طی ماه‌های اخیر بود.

اینگونه اقدام‌ها به یقین در روحیه کودکان فعالان سیاسی و عقیدتی بی‌تأثیر نبوده است و نیست و اثر ماندگار خود را بر ذهن و روان ایشان خواهد گذاشت. شدت بازداشت‌ها به گونه‌ای پیش رفته است که بسیاری از کودکان بهایی در شهرهایی نظیر سمنان، ساری و گرگان همواره در این هراس دائم به سر می‌برند که وقتی از مدرسه به خانه برمی‌گردند آیا پدر و مادرشان در منزل حضور دارند یا توسط ماموران اداره

در حال حاضر، چند کودک شیرخواره بهایی هم به اجبار با مادرانشان در زندان به سر می‌برند؛ در زندان‌هایی که فاقد استانداردها و معیارهای بین‌المللی از حیث بهداشت و امکانات است. این کودکان در محیطی آلوده با سوء تغذیه پرورش و رشد می‌یابند و معلوم نیست این دوران چه تاثیر مخربی بر آینده و روحیه آنها خواهد گذاشت.

جمهوری اسلامی به زعم خود با زندانی کردن چند شهروند بهایی، ایشان را مجازات کرده است تا دست از عقیده خود بردارند، ولی در واقع کودکان بی‌گناه این افراد را محکوم کرده است؛ محکومیت ناخواسته‌ای که اثر آن تا آخر عمر با این کودکان خواهد بود حتی اگر نمود ظاهری نداشته باشد.

زوج‌های محکوم

گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد که تا به امروز پانزدهم فوریه، شش زوج در حال گذراندن دوره محکومیت در زندان‌های ایران هستند که به جز دو زوج زندانی روزنامه‌نگار («بهمن احمدی امویی و ژیلابنی یعقوب» و «مسعود باستانی و مهسا امرآبادی») سایر زوج‌ها از شهروندان بهایی هستند که در دام پروژه "هراس افکنی" رژیم ایران افتاده‌اند.

بر اساس گزارش‌های موجود، یکی از این چهار زوج زندانی، فردین اغصانی و همسرش فرحناز مقدم نام دارند. آنها روز چهارشنبه، ۱۱ بهمن‌ماه پس از تفتیش منزل و محل کار توسط ماموران اداره اطلاعات در شهر ارومیه بازداشت شده‌اند که تاکنون هیچ اطلاعی از آنها در دست نیست.

الف- کامران رحیمیان و فاران حسامی (رحیمیان)

کامران رحیمیان و فاران حسامی یکی از زوج‌های بهایی هستند که دوره محکومیت خود را در زندان رجایی شهر و اوین پشت سر می‌گذارند. این دو در ۲۲ شهریورماه ۱۳۹۰ به دادگاه انقلاب تهران احضار و پس از معرفی خود در همان مکان بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شدند.

به این زوج بهایی گفته می‌شود که مدرک کارشناسی ارشد آنان، غیر قانونی و از نظر حکومت اسلامی ایران فاقد اعتبار است. بنا بر این دفتر مشاوره آنان نیز غیر قانونی و به مثابه کلاهبرداری و ترویج بی‌بندوباری است. این ادعا درحالی اظهار می‌شود که کامران و فاران مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه کارلتون کانادا دریافت داشته‌اند.

فاران حسامی پس از دو ماه و نیم بازداشت موقت به قید وثیقه‌ای معادل صد میلیون تومان آزاد می‌شود، ولی کامران همچنان در بند ۲۰۹ زندان اوین تحت بازجویی قرار دارد. در طی این مدت آرتین رحیمیان، کودک دوساله آنها از ملاقات پدر و مادرش در زندان محروم بوده است. در ۲۳ و ۲۶ آذرماه همان سال ۱۳۹۰ کامران و فاران در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست قاضی صلواتی به اتهام "عضویت در جامعه بهایی" و "اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت ملی" محاکمه می‌شوند و در ۱۲ بهمن ماه حکم چهارسال حبس تعزیری ایشان اعلام می‌شود. حکم مزبور عیناً در دادگاه تجدید نظر تأیید می‌شود.

کامران پس از اولین جلسه دادگاه به طور مستقیم به زندان رجایی شهر انتقال می‌یابد و فاران در ۲۵ تیرماه ۱۳۹۱ هنگام مراجعه به دادسرای اوین جهت پیگیری پرونده همسرش بدون اطلاع قبلی و ممانعت از خداحافظی با فرزند سه ساله‌اش، بازداشت و به بند زنان زندان اوین منتقل می‌شود.

کامران و فاران متعلق به نسلی از بهاییان ایران هستند که از کودکی با ظلم و زندان آشنا شده‌اند. کامران در دوران نوجوانی با زندانی شدن پدر و مادرش مواجه می‌شود که در پی آن پدرش - رحیم رحیمیان - به اتهام بهایی بودن در سال ۱۳۶۳ اعدام می‌شود. فاران نیز در حالیکه کودک ۹ ساله‌ای بیش نبوده با هجوم ماموران امنیتی به منزل روبه‌رو شده و دستگیری پدر، مادر و خواهرش را تجربه کرده است. پدر او پس از یک سال و یک ماه زندان و پنج سال تبعید به خانه و خانواده برمی‌گردد.

فاران در طی دوران تحصیل دو دفعه به دلیل اعتقادات مذهبی از مدرسه اخراج می‌شود با این حال دیپلم خود را با رتبه ممتاز می‌گیرد. پس از آن به تحصیل در رشته روانشناسی در دانشگاه مجازی بهاییان ایران مشغول می‌شود چرا که که جوانان بهایی اجازه ورود به دانشگاه‌های سراسری ایران را نداشتند. او پس از فارغ‌التحصیلی با آنکه مدرکی از طرف دانشگاه بهایی داده نمی‌شود، با دانشگاه کارلتون کانادا مکاتبه می‌کند و رهسپار آنجا می‌شود. در کانادا با کامران آشنا می‌شود که تجربه‌ای مشابه او در تحصیل داشته است. این آشنایی منجر به پیوند زناشویی بین ایشان می‌شود.

کامران رحیمیان و فاران حسامی پس از دریافت مدرک کارشناسی ارشد برای کمک و آموزش هموطنان به ایران بازمی‌گردند. فاران پس از ورود به ایران ضمن همکاری با بهزیستی در یک دفتر مشاوره خانواده هم مشغول به کاری‌شود و از طرف دیگر به نوشتن و ترجمه مقالات تربیتی برای جراید و نگارش و چاپ چهار کتاب با موضوع تربیت فرزندان اقدام می‌کند. کامران اما پس از ورود به ایران موسسه مشاوره‌ای را با برادرش (کیوان رحیمیان) راه‌اندازی می‌کند که در آن یک الگوی تربیتی خانوادگی تحت عنوان "زبان زندگی" را که تاکنون در ایران ناشناخته بوده است، به والدین و کودکان آموزش می‌دهند. الگوی مزبور که در خارج از ایران به "ارتباط بدون خشونت" مشهور است، توسط پژوهشگری به نام مارشال روزنبرگ ابداع شده است. این روش یک الگوی تربیتی است که تبادل اطلاعات و حل صلح‌آمیز اختلاف‌های زندگی را تسهیل و بر ارزش‌های مشترک انسانی و نیازهای انسانی تکیه می‌کند.

عرفان احسانی و ترانه ترابی (احسانی)

عرفان احسانی به یک سال و همسرش ترانه ترابی به ۳۰ ماه حبس تعزیری محکوم هستند. آنان را می‌توان اینگونه معرفی کرد که تنها زوج زندانی بهایی یا زندانیان عقیدتی در ایران هستند که طفل شیرخواره‌شان نیز در کنارشان زندانی است.

عرفان و ترانه در سال ۱۳۸۸ با یکدیگر ازدواج کرده‌اند و ثمره این ازدواج "بارمان احسانی" است. او در اواخر خرداد ماه سال جاری متولد شده است. ازدواج ایشان مقارن با یورش ماموران امنیتی و اداره اماکن به محل کسب عرفان و برادرش علی احسانی بود. در این یورش محل کسب آنان (فروشگاه لوازم تجهیزات دندانپزشکی)، پلمپ و بسیاری از وسایل موجود در آن مصادره شد. پس از ماه‌ها پیگیری و دوندگی بالاخره پلمپ محل مزبور برداشته شد، ولی در این مدت تاریخ بسیاری از محصولات بهداشتی و پزشکی موجود در آن گذشته بود و همین منجر به ضرر مالی هنگفتی به این دو برادر بهایی شد.

علی احسانی مدتی بعد بازداشت و به اتهام تبلیغ علیه نظام به دو سال حبس تعزیری و چند سال تبعید محکوم شد. وی در حال حاضر پس از سپری کردن ایام حبس در تبعید به سر می‌برد.

صبح روز شنبه ۲۱ اسفندماه سال ۱۳۸۹، ماموران اداره اطلاعات سمنان به منزل این زوج بهایی واقع در شهر مهدی شهر (سنگسر) از توابع سمنان مراجعه کردند و پس از بازرسی کامل منزل و ضبط کتاب‌های مذهبی و هر آنچه مربوط به آیین بهایی بود، ترانه ترابی را بازداشت می‌کنند. ترانه در آن سال ایام نوروز را در زندان می‌گذراند و پس از سه هفته به قید وثیقه ملکی معادل صد میلیون تومان آزاد می‌شود.

ترانه ترابی در زمستان سال ۱۳۹۰ در دادگاه انقلاب شهر سمنان به اتهام "تشکیل و راه‌اندازی گروه غیر قانونی با اهداف تشکیلاتی (تشکیلات مذهبی بهایی) به نفع اجانب و معاندین نظام و عضویت در گروه غیرقانونی به هدف جذب مسلمانان و تبلیغ علیه نظام مقدس اسلامی" به پنج سال و ده ماه حبس تعزیری محکوم می‌شود که حکم بدوی در دادگاه تجدید نظر به ۳۰ ماه حبس تعزیری تغییر پیدا می‌کند.

در بحبوحه دادگاه ترانه بوده است که عرفان توسط منشی دادستان سمنان تلفنی احضار و پس از مراجعه بازداشت و پس از مدتی آزاد می‌شود. قابل ذکر است پیش از این بازداشت، عرفان احسانی از روز شنبه سوم دی ماه تا روز پنجشنبه هشتم دی ماه هر روزه به‌طور مداوم به ستاد خبری اداره اطلاعات سمنان احضار می‌شده است.

در روز شنبه دوم اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ ماموران اداره اطلاعات سمنان به منزل عرفان و ترانه مراجعه می‌کنند و با ارائه حکم دستنویس بدون مهر و امضا درخواست ورود به منزل ایشان را مطرح می‌کنند که با ممانعت ترانه که در آن زمان باردار و در منزل تنها بوده مواجه می‌شوند. ماموران امنیتی پس از آن با زور وارد منزل می‌شوند و با توهین و ناسزاگویی به بازرسی منزل می‌پردازند و پس از به‌هم ریختن منزل و ضبط کتاب‌ها و عکس‌های مذهبی محل را ترک می‌کنند. روز پس از این حمله، عرفان احسانی در حین بازگشت به منزل در جاده سمنان به مهدی شهر توسط ماموران امنیتی ربوده و پس از مدتی بازداشت. آزاد می‌شود.

اعلام حکم سنگین دادگاه، هجوم ناگهانی و پرخاشگرانه ماموران امنیتی به منزل مسکونی، ربودن و بازداشت عرفان احسانی عواملی بودند که موجب شدند ترانه تحت شدیدترین فشارهای جسمی و روانی قرار گیرد و "بارمان" یک ماه زودتر از موعد مقرر متولد شود. تولد زود هنگام بارمان احسانی موجب شد که این طفل از همان بدو طفولیت دچار کم‌وزنی و ضعف شود و احتیاج به مراقبت ویژه داشته باشد، ولی همین کودک در سه ماهگی مجبور می‌شود به همراه مادرش رهسپار زندان سمنان شود.

از طرف دیگر در همان زمان که بارمان متولد شد عرفان هم به دادگاه احضار و به اتهام "تبلیغ علیه نظام تحت تبلیغ بهاییت" محاکمه شد. دادگاه بدوی نامبرده را به یک سال حبس تعزیری محکوم کرد.

اول مهرماه امسال ترانه ترابی همراه بارمان سه ماهه جهت اجرای حکم راهی زندان سمنان شد و یک ماه بعد، عرفان احسانی بدون رویت رای دادگاه تجدید نظر برای گذراندن محکومیت یک ساله به زندان احضار شد. در طی این یک ماه ماموران امنیتی بی‌کار نشستند و عرفان احسانی را جهت انجام خدمت وظیفه بازداشت کردند که بعد به قید کفالت آزاد شد تا پس از اتمام دوران محکومیت به خدمت سربازی گسیل شود.

درحال حاضر ترانه و طفل شیرخواره‌اش در حال گذراندن دوره محکومیت در زندان سمنان هستند و عرفان احسانی هم به همراه پنج زندانی بهایی دیگر به یک سلول ۹ متری منتقل شده است و برای اعتراف‌های تلویزیونی تحت فشار قرار دارد.

سیامک ایقانی و همسرش انیسا فناپیان با دو فرزند سه و هشت ساله زوج بهایی دیگری هستند که در زندان سمنان در حال گذراندن محکومیت هستند. سیامک ایقانی محکوم به سه سال و انیسا فناپیان محکوم به ۲۲ ماه حبس تعزیری است.

منزل سیامک ایقانی و انیسا فناپیان، یکی از ۲۱ منزل شهروندان بهایی بود که در اولین یورش ماموران امنیتی به منازل بهاییان سمنان مورد تفتیش قرار گرفت (یورشی که طی سال‌های بعد به کرات تکرار شد و منزل این زوج بهایی و بسیاری دیگر از شهروندان بهایی سمنان مورد تهاجم قرار گرفت). در این بازرسی کامپیوتر، کتاب و عکس‌های مذهبی همچنین آلبوم‌ها و عکس‌های خصوصی این خانواده توسط ماموران ضبط شد. در این عملیات که در ۲۵ آذر ماه ۱۳۸۷ اجرا شد، صهبا رضوانی مادر انیسا فناپیان در منزل شخصی‌اش، بازداشت و پس از محاکمه و گذراندن محکومیت سه ساله آزاد شد.

این شروع ماجرای این زوج بهایی بود. سیامک در هفتم اردیبهشت ماه سال بعد توسط ماموران اداره اطلاعات سمنان بازداشت و پس از شش روز به قید وثیقه آزاد شد. دو ماه بعد سیامک ایقانی در دادگاه انقلاب سمنان به اتهام تبلیغ علیه نظام تحت تبلیغ بهائیت و عضویت در تشکیلات بهایی به سه سال حبس تعزیری محکوم شد. حکم مزبور در ۱۵ مهر ماه سال ۱۳۸۹ در دادگاه تجدید نظر استان مورد تأیید قرار گرفت و وی پس از احضار در ۱۵ آبان ماه همان سال راهی زندان سمنان شد.

طی مدتی که سیامک دوران محکومیت را می‌گذراند ماموران امنیتی همسر و فرزندان وی را نیز تحت فشار قرار می‌دهند، ابتدا محل کسب وی (عینک‌فروشی) را که تنها ممر درآمد خانواده‌اش بود، در ۲۷ مردادماه ۱۳۹۰ به بهانه واهی و نامشخص پلمپ می‌کنند. منزل وی در آستانه نوروز ۱۳۹۰ بار دیگر مورد یورش ماموران امنیتی قرار می‌گیرد. انیسا در دی‌ماه سال ۹۰ طی روزهای متوالی به‌طور پی‌درپی به ستاد خبری اداره اطلاعات سمنان احضار و تحت بازجویی‌های چندین ساعته قرار می‌گیرد.

متعاقب بازجویی‌های اداره اطلاعات برای انیسا هم پرونده‌ای تشکیل می‌شود و نامبرده در ۲۱ فروردین ماه سال ۹۱ به "اتهام تبلیغ علیه نظام و پیروی از بهائیت" در دادگاه انقلاب سمنان به ریاست قاضی عین‌الکمال محاکمه می‌شود که یک ماه بعد حکم بدوی اعلام می‌شود: چهار سال و چهارماه حبس تعزیری. حکم بدوی در دادگاه تجدید نظر تعدیل و نامبرده به ۲۲ ماه حبس تعزیری محکوم می‌شود. انیسا فناپیان دو فرزند خردسال سه و هشت ساله‌اش را به مادرش (صهبا رضوانی) که چندماهی بیشتر از آزادی‌اش نگذشته می‌سپارد و در تاریخ ۳۰ دی‌ماه سال جاری جهت اجرای حکم رهسپار زندان سمنان می‌شود.

این بخشی از فشارهای وارده بر این خانواده است و چه دیگر به فشارهای اقتصادی بر این خانواده برمی‌گردد. در حالی که محل کسب سیامک تعطیل می‌شود پدر انیسا هم که در کارخانه پویا نوار کار می‌کند به واسطه تعطیل شدن این محل از کار بیکار می‌شود. در پی این اقدام، محل کسب (فروشگاه لوازم بهداشتی) برادر انیسا هم بدون ارائه دلیل مشخص پلمپ می‌شود.

از طرفی سیامک هم در زندان به دلیل رطوبت زیاد و عدم رسیدگی پزشکی دچار رماتیسم شده و مسئولان از دادن مرخصی درمانی به وی خودداری می‌کنند هرچند سیامک ایقانی از کودکی با مفهوم زندان آشنا بوده است چه پدر ناینابیش در اوایل دهه ۶۰ به اتهام بهایی بودن مدتی زندانی بوده است، ولی زندانی شدن انیسا، دوری از دو فرزند خردسال، تعطیل شدن محل کسب و از همه مهم‌تر نبود پدر و مادر در دوران رشد فرزندان خردسالش بیشترین فشارهای روحی و جسمی را برای وی حاصل کرده است.

سیامک ایقانی هم اکنون در کنار پنج زندانی بهایی دیگر در زندان سمنان تحت فشار قرار دارد تا در مقابل دوربین فیلمبرداری وزارت اطلاعات به اعترافات دروغین پردازد و انیسا فناپیان در کنار شش شهروند بهایی دیگر در زندان سمنان که یکی از غیر بهداشتی‌ترین زندان‌های ایران محسوب می‌شود دوران محکومیت خود را سپری می‌کند.

[\(email#\)](#) [\(print#\)](#) [\(flipboard#\)](#) [\(balatarin#\)](#) [\(twitter#\)](#) [\(facebook#\)](#)



eh.com%2F53533&title=%D8%B2%D9%88%D8%AC%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C%20%D8%B2%D9%86%D8%AF%D8%A7%D9%86%DB%8C